

نقش دلالت‌های فرهنگی اجتماعی بر شکل خیمه

(مطالعه موردی: سیاچادر بختیاری و آغچ اوی ترکمن)

مهندس نورالدین پیرخضری*، دکتر محمدصادق فلاحت**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۷/۱۹

چکیده

انسان برای تجلی بودن با بهره از طبیعت و کنش فرهنگ «خانه» را بنا نهاد و در بنیادی‌ترین شکل آن سازه «خیمه» برپا شد. این مقاله با بهره از مفهوم نشانه‌شناسی در حیطه «وجه کاربردی»، «نحوی» و «معنایی» نشانگی با روش تحلیل کیفی ناشی از تطبیق دو گونه خیمه با بسترهای ناهمگون، بر چگونگی تأثیر وزنی وجه فرهنگی اجتماعی نسبت به علیت کارکردی اقلیم، مصالح، تکنیک و تظاهراتش در شکل (دال) می‌پردازد. نتایج معلوم می‌دارد که نه تنها «دلالت‌های» فرهنگی و آرمانی بر تکوین شکل خیمه، با وجود علل محسوس طبیعی نقش «محوری» داشته بلکه فراتر از آن علل طبیعی، در بستر هر فرهنگی در مفهوم «چرخه فرهنگ-طبیعت» به ماهیت فرهنگی بر می‌گردد، بنابراین هیچ علیت طبیعی بر شکل خانه در ماهیت خود، طبیعی صرف نبوده بلکه در این چرخه معنا و هیئت فرهنگی اجتماعی به خود می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

شکل خانه، دلالت، نشانه‌شناسی، چرخه فرهنگ-طبیعت، خیمه آغچ اوی، خیمه سیاچادر

* عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: Nor.pir5990@gmail.com

** دکتری معماری، دانشیار گروه معماری، دانشگاه زنجان، ایران. Email: Safalahat@znu.ac.ir

مقدمه

پی تبیین نهاد ارتباطی آن دلالت‌ها با علیت طبیعی برآمده است. نشانه‌شناسی را می‌توان دانشی در جهت درک و دریافت پدیده‌های جهان دانست که از طریق خوانش و قرائت نشانه‌های موجود در پدیده‌ها حاصل می‌شود که بر پایه روابط دلالتی به آفرینش معنا می‌انجامد (دباغ و مختاباد/مراثی، ۱۳۹۰، ۶۳). هر چند نظریه‌های متفاوتی در حوزه نشانه‌شناسی از دیدگاه‌های تجربه‌گرایی مانند پیرس، عقل‌گرایی و ساختارگرایی سوسوری و تأویلی وجود دارد، لیکن ماهیت ترکیبی ساختارگرایی و پدیدارشناسی به راحتی در فضاهای معماری، مفهومی قابل تعمیم است (پناهی و هاشم پور، ۱۳۹۳، ۲۷). فردینان دوسوسور^۳ زبان‌شناس سوئیسی، نشانه‌شناسی^۴ را از نگاه ساختاری^۵ مبتنی بر روابط و تفاوت‌های بین نشانه‌ها در متن (اجتماعی، فرهنگی و ادبی) می‌داند و چیزها به تنهایی حامل معنی کامل نیستند. هر «چیزی» که بتوان به‌طور مشخص تمیز داد می‌تواند برای ساختن «معانی» به کار برد (گینتز، ۱۳۹۲، ۷۵۲). وی با معرفی نشانه به عنوان برهم‌کنش دال^۶ (تصور عینی، شکل) و مدلول^۷ (مفهوم) بر ذهنی بودن نقش مدلول نظردارد (چندلر نقل از فلاحت و نوحی، ۱۳۹۱، ۱۹). به عقیده او «دلالت^۸» نشانه بر موضوع و ارجاع به یک ایده خاص است (همان). این نظریه برای بررسی و مطالعه ارتباطات و فرهنگ مفید است (گینتز، ۱۳۹۲، ۷۵۲). بنابراین در فرضیه این پژوهش ضمن مطالعه تطبیقی نشانه‌ها (دال، شکل خیمه)، که دلالت بر مفاهیم (مدلول) فرهنگی و اجتماعی دارد و از طرفی بررسی نمونه‌ها در زمینه‌های متفاوت فرهنگی و آن بر ایجاد تفاوت در دال‌ها (شکل‌ها) و قیاس با اثر علت‌های طبیعی انجام می‌گیرد که منجر به درک مفاهیم و نقش دلالت‌های فرهنگی اجتماعی در این مقوله می‌شود. ضرورت طرح مطالعه مقایسه‌ای از آنجا اهمیت می‌یابد که برای درک روابط موجود میان فرهنگ، اجتماع بر شکل خانه نیازمند به مقایسه کلیه انسان‌ها از نقطه نظر هوشمندی و قابلیت است (Rapoport, 1969). رویکرد چارلز موریس^۹ به تأثیر از چارلز پیرس^{۱۰} نشانه‌شناسی در معماری را در سه جنبه «کاربردی»، «نحوی یا ساختاری» و «معناشناسی» مورد مطالعه قرار می‌دهد (Morris, 1946, 72). وجه کاربردی به واسطه نوع عملکردها و فعالیت‌های اجتماعی در کالبد و پیکره فضای معماری معنا می‌یابد. به‌عنوان مثال الگوی رفتار اجتماعی حرکت (مدلول) در موزه، وجه غالب و اهمیت سیرکولاسیون را در شکل کالبد(دال) متجلی می‌کند یا سازمان کالبدی پلان و ترکیب دیوارها در عرصه‌بندی در بیمارستان «دلالت» بر تنوع فعالیت‌ها و عملکردها دارد و وجه نحوی نشانگی در معماری در روابط فضاها، چیدمان و ارتباط با محیط اطراف و زمینه‌ای شکل می‌گیرد و وجه معنایی نشانگی در ارتباط با هویت، زیباشناسی و اجتماع معنا می‌یابد (فلاحت و نوحی، ۱۳۹۱، ۲۰).

خیمه در تبارشناسی خانه بنیادی‌ترین شکل محمل تجلی وجود انسان است، سازه‌ای که در لایه‌های طبیعت فرهنگ سرزمینی در هزاران سال به «تخته‌ای» زاده فرهنگ و از جنس طبیعت مبدل و پایدار گردیده است، که امروز در سیر اجتناب ناپذیر شبیه شدن جهانی فرهنگ‌ها به درستی فهم و نیز اثر و جوه تطور فرهنگی بر شکل خانه امکان خیال و آرمان در نیل به شکوفایی و پدیدار ارزش‌های حقیقی و تجلی آن در کالبد را فراهم می‌سازد. این مقاله با بررسی دلالت‌های فرهنگی، اجتماعی و مردم‌شناسی در شیوه معیشت مردم کوچ رو اعصار گذشته در مقایسه با سایر علل کارکردی چون اثر اقلیم و جغرافیا، مصالح و تکنیک، شکل‌گیری خیمه را با اتکال به نشانگی مدلول (مفهوم) در دال (شکل خیمه) مورد تحلیل کیفی قرار می‌دهد و این فرضیه را به آزمون می‌گیرد که: (۱) شکل خانه قبل از اینکه از «علل طبیعی» تأثیر بگیرد متأثر از «دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی» است و علل طبیعی به دنبال و راستای دلالت‌های فرهنگی اجتماعی است. (۲) پاسخ خانه به علل طبیعی یکسان در «بستر هر فرهنگی» به نتایج غیر یکسانی منجر می‌شود، که به درستی بیان می‌دارد که عناصر و مظاهر طبیعی در «مفهوم چرخه فرهنگ - طبیعت» هیئت و معنای فرهنگی می‌گیرند. از آنجایی که از بعد رنسانس به‌ویژه با انقلاب صنعتی و روشننگری انسان‌محورانه و یگانه سوژه^{۱۱} ای وی، اعتقاد بر اینکه خانه سرپناهی است معلول صرف علل کارکردی خردگرایانه، سیطره گسترانده است و تا جایی که اکنون نیز بیشتر در محیط ساخته‌شده امروزین با آن دست به گریبان است؛ چنان سلطه‌ای که با مشابه‌سازی تمام ابعاد انسان‌ها، بنیان خودشکوفایی انسان به فراموشی سپرده شده است. از این رو با دریچه دلالت و نشانه‌شناسی فرهنگ بر شکل خانه در ابعاد سازه، ماده، فرم و فضا در مطالعه تطبیقی دو گونه خیمه در بسترهای ناهمسان، میزان حوزه اثر علل چرخه طبیعت در مقایسه با دلالت‌های فرهنگی اجتماعی مورد تحلیل کیفی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

پیشینه و روش پژوهش

مفهوم نشانه‌شناسی توأم با قیاس نمونه

نتایج پژوهش‌های مردم‌نگارانه راپاپورت (۱۹۶۹م) شکل خانه را تحت فرهنگ اقوام به‌عنوان عامل اول معلوم و علل طبیعی، کارکردی و عقلانی را به‌عنوان عوامل دوم و «تغییردهنده» شناسایی کرده است ولی ماهیت سازمان ارتباطی این دو در خاستگاه عوامل مسکوت و نامعلوم است. این پژوهش با استفاده از علم نشانه‌شناسی دلالت‌های فرهنگی اجتماعی را در دو مطالعه موردی بومی استخراج و سپس در

در میان ایل یا طایفه است و در گستره سرزمینی پیش گفته عطش نیاز به سایه در برپایی سیاچادر، بیان بودن در میان ایل تلقی می‌گردد.



شکل ۱. سیاچادر در میان وارگه (مرتع محل اطراق).
(Source: Tishineh, 2016)

سیاچادر فراتر از سرپناه کالبدی بلکه تثبیت سرشت انسان در بیان وجود است. اکنون باید روی زمین ساختن را بیابازد و این معنای باشیدن است، باشیدن و بودن ابراز وجود روی زمین مستقر بودن، کاشتن و ساختن خانه است (نیچه و همکاران، ۱۹۹۳، ۴۷). خانه برای انسان مرکز دنیای فرد است (شوتتر، ۱۳۸۱). از این رو براساس این فرضیه ماهیت و شکل خیمه منبعث از وجود و شیوه فرهنگی معیشت کوچ‌رو است و آن را فراتر از برطرف کردن نیازهای عملکردی کرده است، گرچه وفور اشکاف‌های در دامنه‌های زاگرس بختیاری، گاهی امکان سرپناه‌گیری را به طایفه می‌دهد، لیکن فقط این برپایی مال و سیاچادر حیثیت و اعتبار او تلقی می‌گردد:

– «پرتابل^{۱۳} بودن، سبکی و سهولت برپایی و حمل سیاچادر «دلالت» بر شیوه معیشت و رفتار فرهنگی و اجتماعی کوچ‌رویی او دارد.

– «گسترده‌گی و وسعت غشاء و «سیالیت» فضای سیاچادر «دلالت» بر اجتماع‌پذیری و ساختار اجتماعی زندگی جمعی ایل در پوشش و پذیرش تنوع عملکردی و مراودات همسایگی اولاد، تش و تیره تا طایفه را در زیر خیمه دارد.

– «شفافیت»^{۱۴} پیرامونی و چندسونگر بودن، سیاچادر و باز بودن نسبی پیرامونش «دلالت» بر ارتباطات بالای اجتماعی و روابط پیوسته سیاچادر با اولاد، تش، تیره و طایفه در «وارگه» یا «مال» دارد، که به‌واسطهٔ وجوه جانبی باز و مناظره‌گری با اشارات بدنی و اصوات و ارتباط مداوم قوم در جریان کوچ و اطراق، تا عکس‌العمل جمعی را هماهنگ می‌سازد، هرچند این دلالت با علت کنترل محیط اطراف در حفاظت رمه و دفاع از خطرات توأم است.

– همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد غشاء گسترده و سایبان وسیع «لته‌ها» در سیاچادر «دلالت» بر پوشش عملکردهای گسترده و متنوع از جمله

به‌منظور نیل به درک زبان‌شناسی معماری با ترکیب کیفی سه جنبه کاربردشناسی، نحوی و معناشناسی می‌توان نشانه‌ها را در ارتباط با هم، مورد مطالعه قرار داد (هری، ۱۳۸۷، ۱۷). تعمیم نظریات ساختارگرایانه سوسور در معماری را می‌توان نمود معانی مدلول در دال با کیفیت‌های حسی، ذهنی و تداعی‌کننده، مورد بررسی قرارداد (لنگ، ۱۳۸۶، ۲۳۱). بنابر این نشانه‌ها در شکل خیمه مانند عواملی معناساز متأثر از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی هستند که در این پژوهش با ترکیب مفهومی وجوه کاربردی (فعالیت‌های عملکردی و رفتاری) و نحوی (ارتباط با زمینه‌های فرهنگی اجتماعی محیط) و معنایی (ارتباط با مفاهیم، هویتی و فرهنگی) چنان ابزار پژوهشی در آزمون فرضیه به‌کارگیری می‌شوند.

جایگاه معماری بومی^{۱۱}

بدون شک معماری گذشتگان تنها در مطالعه و مشاهده معماری شکوهمند برگزیدگان و شاهان یا کاخ‌ها، مساجد، کاتدرال‌ها و بازارهای برگزیده محدود نمی‌شود بلکه معماری بومی در همان محیط حکایت از فرهنگ توده مردم و مرتبط با زندگی روزمره و آلمان‌های انسانی بوده است. سازندگان بناهای بومی فقط مصرف‌کننده نبوده‌اند بلکه در همبستگی با سنت و فرهنگ توده مردم بخش عظیمی از محیط را شکل داده اند (Rapoport, 1969). مسکن بومی با وضوح بیشتری پیوند و ارتباط میان شکل مصنوع و شیوه زندگی و فرهنگ را نشان می‌دهد (Ibid). ماهیت فرهنگ‌ها را از شاکله بناهای بومی که در گذر زمان پایدار مانده‌اند می‌توان باز ساخت و تاریخ امکان‌بازشناسی عناصر پایدار از ناپایدار را ممکن می‌سازد (Ibid).

دلالت فرهنگ و شیوه زندگی اجتماعی نسبت با شکل کالبد

سیاچادر: استفاده انواعی از خیمه سیاچادر با تفاوت‌های اندک در گستره وسیعی از جنوب غرب، مرکز، جنوب تا غرب رشته کوه زاگرس در میان اقوام بختیاری، لر، کرد، حتی در بین عشایر بادیه نشین بیابان‌های جنوب و جنوب غرب عراق در شیوه زندگی شبانی یا کوچ روی از اعصار کهن متداول و امروز نیز معمول است. خیمه بختیاری مورد نمونه تحقیق، متشکل از غشاء منسوج از موی سیاه بز موسوم به «لته»^{۱۲} یا نیمه که به واسطهٔ دیرک‌های چوبی در کشش با ریسمان و کوبش به زمین به‌نام «سیاچادر» برپا می‌گردد (شکل ۱). حال اینکه سازمان معماری سازه‌های چادری کششی امروزمین نیز برگرفته از انواع مذکور می‌باشد. خانه کوچ‌رو، خیمه‌ای است که با خود حمل می‌کند، داشتن سیاچادر یا «مال» برای او به مفهوم سایه و ابراز وجود و اعتبار

میش، گاو، قاطر و اسب به همراه لته‌های سیاچادر و تیرک‌های چوبی در عین هماهنگی با حیدرخان و پسرش در تفرق و تجمع، اطراق و کوچ و عبور از برف تا رودخانه عمیق، انعطاف و عدم تعارض ایل با ساختار اجتماعی بلند دیده می‌شود.

– شکل «واگرای سازه» دیرک چوبی سیاچادر در بر پایی خیمه «دلالت» و نشانگی است بر اشتراک پذیری و ارتباطات بالای اجتماعی در پذیرش اجتماعات قومی. کما اینکه بارزترین ویژگی فرهنگی این ایل باهم بودن به هر بهانه‌ای است. فراوانی و اهمیت تجمعات اجتماعی و قومی در عروسی و رقص جمعی، به ویژه سوگواری که با خاطره مرگ بزرگان چنان اسطوره، مؤید و مدلول تظاهرات آن در شکل سیاچادرهای بزرگ و گسترده است.

– بنابر این شکل و ساختار خیمه «دلالت» بر فرهنگ و شیوه اجتماع او دارد و این دلالت‌ها نقش محوری‌تر و بنیادی‌تری نسبت به علل کنش‌گرانه و عملکرد محسوس طبیعی بر شکل و ساختار خیمه را نشان می‌دهد.

آغچ اوی: خانه چوبی ترکمن همانند الگوی خیمه‌های سرزمین‌های استپی، تبت و آسیای میانه و مغولستان قابل‌حمل‌ترین، سبک‌ترین، پیش‌سازی‌شده‌ترین انواع خیمه‌ها است. سرزمین‌های استپی و دشت‌های تبت همراه با تپه‌ماهورهایی با پوشش گیاهی کم و بادهای سوزناک سرد و خشک است، از این رو این سرزمین‌ها خالی و بدون حفاظ می‌باشند که به این واسطه چراگاه و مرتع در این فلات محدود و همواره بر سر دستیابی به آن بین طوایف و ایلات صحرانشین تعارض پدید می‌آورده است (شکل ۲ و ۳). ترکمن گروه‌های قومی هستند که در صحراهای تبت و تا کناره خزر زندگی شبانی داشته‌اند و جریان کوچ روی آنان از آسیای میانه بوده تا سرانجام در شمال شرق ایران و ترکمنستان کنونی سکنا گزیدند (کننه، ۱۳۷۵). تعدد ایل‌ها، طوایف و تیره‌های ترکمن بسیار زیاد و تا ۲۴ تیره نام برده اند. نسبت آرمانی تعدد تیره و طایفه ترکمن ریشه افسانه‌ای و اسطوره‌ای دارد. مردی با سه زن آبستن که برای یکی گوشت قوچ کوهی و یکی گوشت گرگ و دیگری گوشت گوسفند آبی آورد و از فرزندان ایشان طوایف و تیره‌های زیادی گسترانده شدند (همان). ساختار اجتماعی قوم ترکمن ایل، طایفه، تیره، شاخه، اروغ یا لاکام و نهایت اوی یا خانوار (آغچ اوی) که براساس «باشاوی» یا ریش سفیدان و «اوباه» یا مردم عادی شکل گرفته است و کوچ روی طوایف و تیره‌ها در تصاحب یورت و مرتع بوده و ریشه تعارضات بین طایفه و تیره‌ها تا لاکام‌ها بر سر مرتع با قتل نفس بوده است. به نظر ویلیام آبرونز ساختار اجتماعی ترکمن‌ها فاقد دستگاه نهایی بوده و به نوعی هرج‌ومرج در تصاحب یورت داشته اند (همان). اسکان طایفه یا تیره در منطقه موسوم به یورت می‌باشد و هر یورت

نگهداری بره، فرآوری محصولات دامی، پخت غذا، عرصه‌ای برای زنان و دختران تا جای مردان و میهمانان چادر و نیز مأوای تازه داماد در بخشی از همان سیاچادر می‌باشد، که به درستی مدلول مفهومی «فرهنگ اجتماع پذیری و زیست گروهی» است که گویی قبل از پیدایش توان فیزیک کششی و گسترش منسوج موئی این ویژگی از بنیان فرهنگ زندگی گروهی در پوشش خلوت و جلوت پدیدار شده و در ساختار شکلی خیمه زایش یافته است.

– سیاهی رنگ غشاء منسوج مویی و گستردگی سایه اندازیش «دلالت» بر اهمیت و استواری رنگ سیاه و نمودش در طبیعت منبعث از تجلی بودن او در میان ایل و طبیعت است، چرا که رنگ موی بز سفید این جلوه نمایی و تضاد وجودی را به واسطه تیغ درخشنده آفتاب نمی‌دهد و این در طول زمان چنان فرهنگی اطمینان بخش شده است. هر چند علل کارکردی در جذب امواج توسط رنگ سیاه، مانع نفوذ اشعه و گرما به درون خیمه می‌شود.

چنانچه «فولر مور» بیان می‌دارد: چادر در نوسانات دما می‌تواند سرپناه، سایه، گرمایش و یا عبور نسیم خنک را برای ساکنان به ارمان آورد جذب اشعه آفتاب به رابطه رنگ سیاه و عایق‌کنندگی مو در این چادر خنک‌تر از نوع سفید آن که ۴۰٪ اشعه خورشید را عبور می‌دهد؛ می‌باشد و کناره‌های چادر را با بافت چوب و سنگ مطابق جهت باد و اشعه خورشید جابجا می‌کند، حداقل مصالح با وزن کم امکان حمل و برپایی خیمه را کمتر از یک ساعت می‌دهد (Moore, 1993). بر اساس آنچه دریافت می‌شود؛ تکرار استفاده از رنگ سیاه غشاء یک باور فرهنگی جمعی است، هر چند چگونگی انتخاب و نسج آن بر علیت طبیعی و کارکردی است، لیکن این کنش علت و معلولی در درون تمدن و فرهنگ تکوین و پدیدار آمده است.

– «هندسه ارگانیک» و طبیعی شکل گسترده غشاء موئی در ترکیب کلی چادر با خصلت «انعطاف پذیری»^{۱۵} زیاد «دلالت» و نشان از سازمان اجتماعی منعطف ایل در عین گستردگی است.

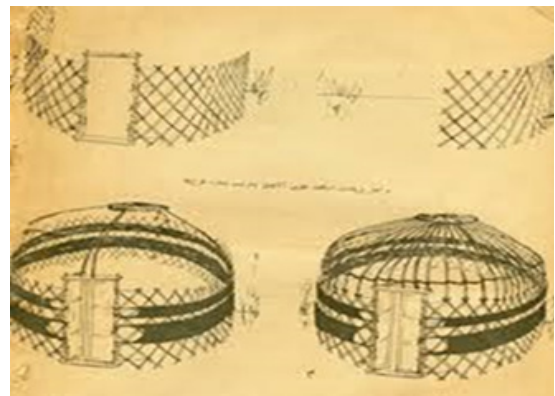
ایلات این فلات به دلیل فراوانی طبیعی مراتع و چراگاه‌ها در تعارض بین ایلی و طایفه ای نبوده اند و در ساختار بلند اجتماعی ایل متشکل از سیاچادر، اولاد، تش، تیره، طایفه، بارزترین چالش ایشان نه دستیابی به مرتع بلکه هماهنگی در راهپیمایی طایفه و صعوبت طی مسیر بوده است که مرهون انعطاف جمعی کوچ و هماهنگی با بزرگ طایفه می‌باشد. غالباً حدود و قلمرو هر طایفه در بیلاق و قشلاق چنان املاک طایفه‌ای معلوم بوده است (لایارد، ۱۳۷۶). همچنین در فیلم مستند «علف»^{۱۶} مریان کوپر در سال ۱۹۲۵م. مهم‌ترین چالش ایل در گذر از رود خروشان کارون و قتل مرتفع برفی زردکوه و طی مسافت بلند بوده است و هماهنگی و همدلی ایل ۵۰۰۰ نفره با نیم میلیون احشام بز،

زندگی در ریتم طبیعت و بستر عاری و فقیر استپی نگاه ایلیاتی را به آسمان دوخته و «عدم میرایی» خود و خیمه‌اش را در اسطوره و باور هم‌شکلی با ستاره‌ها می‌بیند و آنچه در کائنات ساخته شده ابدی است و متفاوت از اقوام بختیاری که مفهوم نظم را در فرهنگ خود در شکل ارگانیک دیده است ترکمن و ایلیاتی آسیای میانه در بستر لخت سرزمین با نگاه به آسمان مفهوم نظم را در فرهنگ خود از نظم کائنات به صورت شکل هندسی گرفته است. ترکمن‌ها پیش از اسلام چون گروه‌های دیگر آسیای میانه پیرو آیین «شم‌نیسم»^{۱۸} بوده‌اند (زباح و حاتم، ۱۳۹۲). آیین شمنی دین باستانی آسیای مرکزی و از خانواده دین کهن «پو»^{۱۹} است. بنیاد اساسی آن در نگاه به عالم علوی فرای آسمان‌ها است و عالم زمین و زیر زمین با ستون درخت زندگی یا محور مرکزی که مغولان آن را «ستون طلایی» می‌نامیدند به هم مرتبط‌اند. «ستاره قطبی» که نشان از اوضاع فصول دارد، بر فراز این محور است. شمن قادر است از طریق ستاره قطبی به عالم ماورای کیهان سفر کند (نصر، ۱۳۸۹). شکل بنا انعکاس نیروها و اعتقادات کاسمولوژیک انسان‌ها بر زمین است (Rapoport, 1969). ریشه‌های اعتقادی به کائنات و نظم ستارگان در نیل به عدم میرایی خود و در اتصال زمین با محور طلایی در درک ستاره قطبی فرهنگ این قوم را به یکی از اسطوره‌های‌ترین اقوام تبدیل کرده که تمام شئون و آداب، منسوجات قالیچه و بقچه تا زینت اسب و البته شکل خیمه را متأثر ساخته است. - صحرا نشین علی‌رغم اینکه علل ملموس کارکردی ناشی از چرخه طبیعت را به خوبی می‌داند و به کار می‌بندد لیکن تنها با «دالت» فرهنگی و اعتقادی محصول رفتار طبیعی خویش را درست و جاودانه می‌داند. همچنان که شکل نیمه‌کروی و پلان دایره در

از دو یا سه ردیف بنام سیرقن که از اقوام خونی هستند تشکیل یافته و آغچ اوی سیاه برای پدران و سفید برای نوجوانان، کوچکترین واحد سازمانی اسکان است (همان). از این‌رو در گذر زمان، رزم‌آوری و سرعت عمل و تحرک طوایف و تیره‌ها، سوای از هم در دستیابی به مراتع و نخچیر به گونه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی این قوم در آمده و عجین شدن وجود ترکمن با اسب نیز به این سبب است. در استپ‌های آسیا که معیشت، چرا می‌باشد خیمه سیار و قابل برچیدن است این یک معماری مصرفی نیست، چون در استپ مصالح آسان یافت نمی‌شود به همین دلیل ابداع شگرف چادر خلق شده است. سکونتگاهی سبک و متشکل از اجزاء کوچک و قابل حمل که به آسانی برچیده و قابل بسته‌بندی و حمل و برپایی چندباره را دارد (Moore, 1993). یورت (اوی) پیچیده‌ترین سازه چادری است از گنبد مخروطی شکل که از تیرک‌های شعاعی تشکیل می‌شوند و از دیوار خارجی محیط دایره تا حلقه فشار را در مرکز پوشش می‌دهد، این حلقه فشار برای خروج دود و تهویه است و لایه‌های محیطی از نمود اطراف دایره تا دمای ۴۰- فارنهایت، در بادهای سهمگین شرایط زندگی را فراهم می‌کند (Ibid). - قابلیت حمل و سبکی زیاد و پیش‌سازی مواد و نیز سرعت در برپایی و برچیدن جلگی «دالت» بر شیوه اجتماعی فرهنگی زندگی و معیشت در سرعت عمل بالا و آمادگی دفاع یا تعدد جابجایی در یافتن و تصاحب مراتع دارد. - شکل منظم هندسی در پلان دایره‌ای، حجم نیم‌کره یا مخروط ناقص؛ ساختار کالبدی و سازه‌ای منظم «دالت» بر «سمبولیسم» ازلی نظم کائنات و ستاره قطبی، است که فرهنگ، اسطوره و باور «کاسمولوژیک»^{۲۰} قوم می‌باشد.



شکل ۳. آغچ اوی در میان یورت. (Source: Geo-turkmansahra, 2016)



شکل ۲. برپایی، اجزاء و ساخت. (Source: Golestanema, 2016)

- نقوش رنگی و متنوع گیاه و حیوان در منسوجات میلمان درون اوی «دلالت» بر «این همانی» طبیعت و مرتع در آرزوی ایل و نیز اعتقادات آرمانی او دارد.

جوهر فرهنگ، باور، اعتقاد و سبیل و مذهب قومی در محیط زندگی او در شکل رفتارها و کنش‌هایش و نیز شکل مصنوعات زندگی تا معماری خانه تجلی می‌یابد (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۱۲۱). تفکر فرهنگ قومی و اسطوره‌ای، طبیعت را به انقیاد نمی‌کشد بلکه با طبیعت هماهنگ و همراه و متعادل‌کننده آن است (همان، ۱۲۳). ساختار ارگانیزم جهان در طبیعت همواره دارای الگوی زیستی-اجتماعی است و پیوند طبیعت با فرهنگ و انسان را از وجه شناخت‌شناسی تضمین می‌کند (مورن، ۱۳۹۲، ۵۴).

مفهوم «چرخه فرهنگ-طبیعت» و علیت آن بر شکل خیمه

فراوری ماده طبیعی در تمدن و بستر فرهنگی ملل در گذر زمان شکل می‌یابد به این معنا که ترکه چوبی آغچ اوی ماده‌ای طبیعی است اما به واسطه تمدن قوم در گذر زمان در آموختگی هندسه و استاتیک نیروها به شکل تعادل سازه‌ای شکل یافته است. بنابراین عوامل عقلانی، تجربی علت و معلولی طبیعی (پوزویستی^۳) مانند شرایط جغرافیا و اقلیم، مصالح و تکنیک، در ماهیت خود به‌طور مستقل طبیعی نیست بلکه ماده و پدیده طبیعی در درون تمدن فرهنگ ملل به فراوری و شکل «تخنه» منجر می‌شود. موی بز ماده‌ای طبیعی در نسج با ابزار تولید تمدن به «لته» که منجر به ایجاد سازه غشائی کششی چادری گردیده است و در نتیجه مصنوع در بستر فرهنگ-طبیعت پایدار و سازگار می‌شود. بنابراین پاسخ به روابط علت و معلولی کالبدی و طبیعی در بستر فرهنگ‌های مختلف به‌طور الزام به پاسخ‌های همانند نخواهد رسید و در هر زمینه فرهنگی به پاسخی منجر می‌شود و به درستی این مفهوم «چرخه فرهنگ-طبیعت» است. (شکل ۴)

جغرافیا و اقلیم در امتداد نقش دلالت‌ها

اوی: در سرزمینی با بادهای سوزناک و سهمناک، شکل «ایرویدینامیکی» کروی اوی با کاهش مقاومت هوا بر سازه مانع واژگونی و نفوذ هوای سرد نیز می‌گردد. در جغرافیای سرد استپی شکل کروی در میان سایر اشکال دیگر، نسبت سطح به حجم کمترین، مقدار است لذا تلفات حرارتی در کمترین سطح است و از طرفی محدود بودن فضای داخل امکان گرمایش و حفظ آن را به واسطه تعداد لایه‌های نمد ممکن می‌سازد. به طوری که تا دما ۴۰- درجه سانتی‌گراد زندگی در آن ممکن است. جغرافیای استپی تبت کم‌عارضه با پوشش گیاهی

کاهش مقاومت بادهای سهمگین و عدم واژگونی سازه و تدبیر استقرار و استتار در پناه تپه‌ماهورها جملگی علل کارکردی ملموس است که در طول دلالت باور و اسطوره، معنا و تکرار می‌یابند.

- شکل پلان دایره اوی و روزنه سقف «دلالت» بر رفتار جمعی تجمع افراد در حول آتشدان گلی پیرامون «ستون زندگی شمنی» در زیر روزنه گنبد دارد.

آتش، آتشدان و سرخی آن برای ترکمن نقش اسطوره‌ای دارد (زیاح و حاتم، ۱۳۹۲). همان‌طور که دیده می‌شود علل «عرضی» چرخه طبیعت چون نیاز به گرما و تابش آتش با تجمع پیرامون آن در «طول» دلالت فرهنگی حول درخت زندگی شمنی قرار می‌گیرد چنان که پیش‌تر گفته شد این ستون ترکمن را بر فراز آن در رؤیت «ستاره قطبی» به کائنات هدایت می‌کند چرا که ستاره قطبی نشان تغییرات فصول و ارتباط آن با شیوه معیشت و نوید مرتع و تعلیف را دارد. گرچه روزنه سقف نقش سازه‌ای مهمی در تعادل تنش‌های کششی، ورود نور و خروج دود آتشدان را دارد. لیکن ارتباط حسی و ادراکی با آسمان و ستاره قطبی یک فرهنگ و باور محوری است.

- بنابراین شکل «هم‌گرای سازه» و تیرک‌های ظریف کششی اوی «دلالت» بر فرهنگ هم‌گرایی کاربر، حول ستون شمنی و آتشدان در درک ستاره قطبی را دارد.

گویی اوی و خوشه‌های چیدمان اوی و سیرقن در یورت چنان خوشه‌های ستارگان به‌واسطه ستون عمودی شمنی به کائنات و ستارگان وصل می‌شوند و خانه صحرائشین را به قمر یا سیاره‌ای حول کائنات بدل می‌کند و ریتم طبیعت در شب و روز، تغییر فصول و درک ستاره قطبی در پیوند با ریتم حرکت برای یافتن مرتع یکی شده است و او علی‌رغم به‌کارگیری تمام ملاحظات عقلی خود در زندگی و خانه فقط با دلالت باور و اسطوره به اطمینان جاودانگی و تکرار الگو می‌رسد.

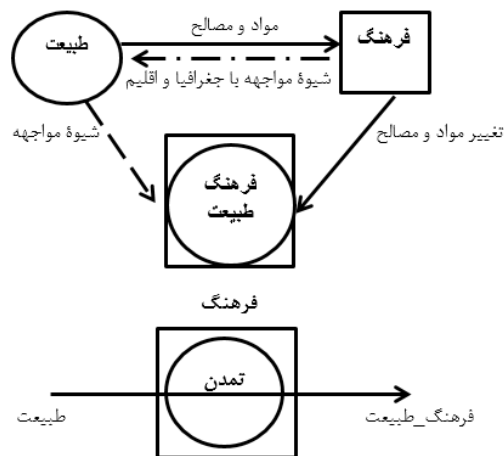
- شکل میلمان داخلی اوی در نوارهای رنگی بیرون و درون خانه و نیز نقوش هندسی بیشتر با رنگ‌های قرمز در قالیچه و توبره، آویز، خورجین و بقچه جملگی «دلالت» بر فرهنگی دارد که مصنوع عملکردیش را با باورهایش به‌واسطه نقوش و رنگ‌ها بر مفاهیم حیوانات شتر، اسب و میش تا گیاه و طبیعت و معانی رزم آوری و نیز ستارگان تزیین می‌نماید. رنگ، اشکال هندسی، ترکیب نقوش در منسوجات به مفاهیم جانوران، طبیعت، عقاید و باورها و ادوات جنگی دلالت دارد (زیاح و حاتم، ۱۳۹۲). کثرت رنگ قرمز در پوشش و منسوجات زندگی و تزیینات اوی سبیل رنگ خون که لازمه پیروزی و فتح است می‌باشد و مضر سرماست (همان). فراوانی شاخ قوچ در نقوش ترکمن ریشه در «توت‌میس» که قبایل کهن می‌پنداشتند نیاکانشان به یک حیوان یا گیاه می‌رسند و مقدس، حافظ اوی، یورت و نشان قدرت بود (همان).

کنترل می‌گردد و همچنین پشم میش رمه‌های ایل به شکل نمذ سیاه و سفید در کف و پیرامون خیمه به کار برده می‌شود. نمدهای گنبد و دیوارک با ریسمان‌هایی مهار و کل اوی با ریسمانی ضخیم به زمین میخ می‌شود و نمذ عایق حرارت و برودت است. بستر طبیعی محدود نگاه کیهانی اسطوره‌ای انسان تر کمن را به تمدن پیچیده‌ای رهنمون شده است به طوری که اوی در نوع خود در جهان منظم‌ترین، هندسی‌ترین، سبک‌ترین، قابل‌حمل‌ترین، سهل‌ترین برپایی و برچیدن و پیچیده‌ترین ترکیب پیش‌ساختگی خیمه سبک به ابعاد ۳.۵ * ۶ متر را دارا می‌باشد.

سیاچادر: لایه‌های فرهنگی طبیعی این خیمه در عمق کمتر اما در سطح گسترده سرزمینی وسیع‌تر قابلیت یافته است چرا که فرهنگ و تمدن فراوری لته از موی بز و دیرک چوبی و برپایی «پیچیدگی» کمتر اما «کارایی» و «گسترده‌گی» فزون‌تری دارد درحالی‌که در اوی عمق پیچیدگی و هندسی ناشی از ژرفای فرهنگ بیشتر و لیکن سطح کاربرد کمتر است؛ به راستی در تبیین چرخه فرهنگ_طبیعت و پاسخ‌های متفاوت به علل طبیعی در بستر فرهنگ‌های متفاوت بر شکل خانه در این قیاس آشکار است. مقاومت کششی زیاد منسوج موی بز و آب‌گریزی غشاء در عین نرمی و قابلیت انعطاف در پوشش و متغیر بودن ابعاد ناشی از هندسه و نظم طبیعی در غشاء با دیرک چوبی و نیز تعادل نیروهای کششی در پوسته و انتقال به بستر زمین در تقابل با انتقال نیروی فشاری به ستون چوبی وسط و طرفین چادر شگفت‌انگیز است. آن چرخه فرهنگ_طبیعت که منجر به خلق این سایه‌گسترانی و پوشش فضای انعطاف‌پذیر شده، در فهم ایجاز تعادل نیروهای کششی و فشاری نهفته می‌باشد به طوری که امروز متأثر از این خیمه، کارآمدترین و گسترده‌ترین سیستم‌های ساختمانی «غشاء چادری کششی» در جهان متداول گردیده است.

تملیل و بحث

در مشاهده، مقایسه و تحلیل این پژوهش تبیین گردید که نقش فرهنگ و باورهای اسطوره‌ای و آرمانی انسانی همواره دلالت طولی و بنیادین در کنار روابط علیت طبیعی به صورت عرضی، در گستره همه‌جانبه در لایه‌های مختلف منجر، به پدیدار خیمه (خانه) می‌گردد و در این مقایسه تطبیقی میزان دلالت فرهنگی و آرمانی بشر چنان است که علل عرضی در طول دلالت فرهنگی قرار می‌گیرند (جدول ۱) و (شکل ۴). این مفهوم در ادبیات مروری موضوع دیده می‌شود، همانند: عقیده نوربرگ شولتز مبنی بر اینکه؛ سکونت کردن به معنای احترام گذاشتن به محیط اطراف افراد و دوست شدن با آنها است و هیچ‌وقت نمی‌توان با اطلاعات کمی دوست شد و دوستی‌ها با کیفیت‌ها سر و کار دارد (نیلاندر، ۱۳۹۰، ۶۳). خانه باید بخشی از ارتباط



شکل ۴. مدل چرخه فرهنگ_طبیعت: مواجهه هر فرهنگی با عناصر طبیعت: (مواد و مصالح) و مظاهر طبیعت: (اقلیم و جغرافیا) متفاوت است که این به درستی مفهوم چرخه فرهنگ_طبیعت است.

فقیر فقط جانداران اندکی در درون خاک لانه گزیده‌اند لذا امکانات کم و باید چندین بار استفاده گردد، از این رو دسته تیرک‌های چوبی و پانل‌های عمودی و لایه‌های نمذین چندین سال متوالی به کار گرفته می‌شود. جهت استقرار درب ورودی در اوی خلاف جهت باد سرد در جهتی که دارای فشار منفی یا خلاء نسبی است نصب می‌شود به علاوه موجب خروج دود آتشدان از درب و روزنه خواهد شد و دود در درون فضا پخش نمی‌شود.

سیاچادر: ماهیت این خیمه در جهت پوشش‌دهی سایه در گستره سرزمینی وسیع به واسطه ایجاد نسیم با اختلاف فشار سایه و آفتاب و باز بودن پیرامون در عبور باد تکوین یافته است و قابلیت ایجاد خنکی و محافظت از سرما با کنترل پانل‌های بوریا باف پیرامونی دارد و توان ایجاد آسایش در گرما و سرما را به واسطه غشاء سیاه که با جذب امواج، مانع نفوذ آن به درون خیمه می‌گردد و همچنین سیاچادر امکان کناره‌گیری در کوهپایه و نیز نصب در دشت را به سهولت می‌دهد. بنابراین پاسخ‌های انسان در مقابل ماده طبیعی، جغرافیا، سرما و گرمای اقلیمی متناسب هر فرهنگ و تمدنی متفاوت است که این خود به واسطه «چرخه فرهنگ_طبیعت» بازگشت به معنای «فرهنگ» می‌باشد.

مواد، مصالح و تکنیک به دنبال نقش دلالت‌ها بر شکل خیمه

اوی: بستر طبیعی فقیر قابلیت دسترسی به ترکه‌های کششی چوبی و حلقه مرکزی و نیز پانل‌های چوبی که نقش فشاری دارند به واسطه اتصال ترکه‌ها و پانل با کمر بند کششی نوار پهن بیرونی، گنبد سازه

صحرا است. لیکن علی‌رغم شباهت اقلیمی در زمان‌ها و مکان‌هایی شکل مصنوع خیمه متأثر از بستر فرهنگی است و این برهان تطبیقی و تحلیل کیفی نشانگی دلالت بر نقش بنیادین فرهنگ، آرمان و شیوه اجتماعی زندگی بر شکل خیمه دارد و البته این گفتار بر سر بی‌رنگی علل طبیعی اقلیم، جغرافیا و مصالح، تکنیک بر شکل خانه نیست لیکن بهانه بنیادین فرهنگ منشاء ظهور و باز تولید و تکرار آن در تاریخ است و علل طبیعی در عرض و همسویی دلالت فرهنگی قرار می‌گیرند و به این معنی ماهیت علل طبیعی و مواد متناسب به سیاق فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد که همانا مفهوم چرخه فرهنگ_طبیعت در این مقوله است.

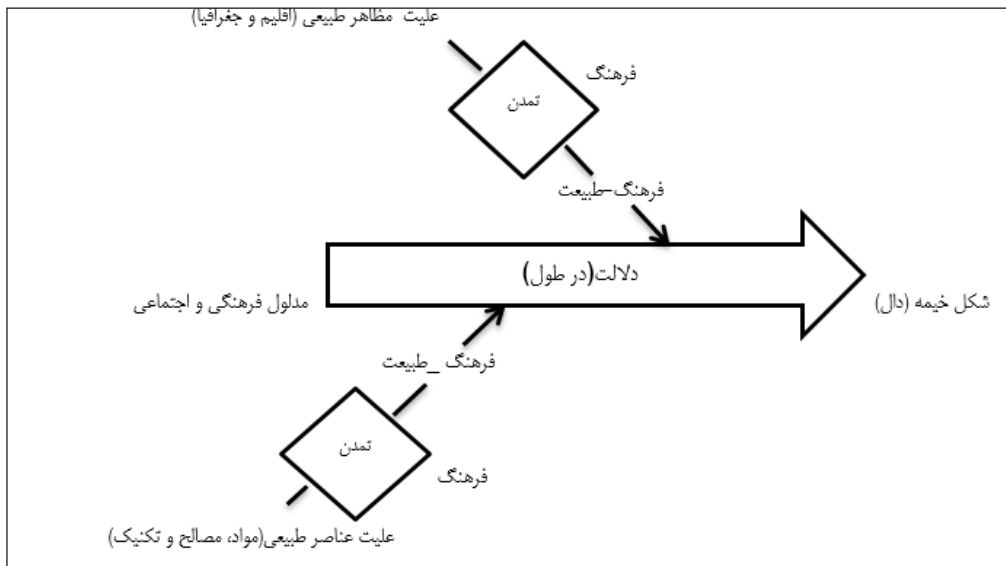
نتیجه گیری

سرشت نوع بشر در طول تاریخ به واسطه اینکه فراتر از طبیعت بوده است با اسطوره و آرمان، باور و فرهنگ در نیل به تکامل وجودی خویش انجامیده است و این انجامیدن در تمام ابعاد زندگی او تجلی یافته است به طوری که از صناعت شکار و کشاورزی تا خانه متأثر از تجلی وجود آرمانی او گردیده است. شکل خیمه چنان بنیادی‌ترین گونه خانه دلالت بر نقش فرهنگ، باور و اسطوره انسان داشته است. از این رو «دلالت محوری فرهنگ» مانند علت طولی است که علل طبیعی

شاعرانه با واقعیت باشد (همان). نیز «انسان شاعرانه سکنا می‌گزیند» (نیچه و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۷)؛ جملگی مفهوم نقش فرهنگی اجتماعی خانه را بیان می‌دارد. تمام وجوه و بروز رفتاری، کارکردی و صناعت بشر در طول تاریخ به «بهانه» و «آرمان فرهنگی» خلق گردیده است. هر چند علل کارکردی و عقلانی پوزویستی به درستی با شیوه‌های فرهنگی هر قومی عجین شده است. مطالعه خیمه در فرهنگ عشایر در بیان مفهوم «دلالت فرهنگی» منشاء مصنوع خیمه توأم با رابطه علیت «چرخه فرهنگ-طبیعت» در راستای این گفتار که «حجم آثار تمدنی عشایر محدود است اما از فرهنگ پیچیده و غنی برخوردار است» (اسلامی، ۱۳۹۲، ۱۴۲)؛ حائز اهمیت است. حاشیه پست جلگه مرکزی ترکمن و کناره خزر از نظر شاخص‌های اقلیمی برای قشلاق ترکمن یا ایللیاتی تبتی در زمستان از نظر دما و میزان رطوبت شبیه به قشلاق عشایر بختیاری در کوهپایه جنوبی زاگرس (شمال خوزستان کنونی) است و علی‌رغم نزدیکی شاخص‌های اقلیم (متوسط دما و رطوبت) قشلاقی، هیچ ترکمنی در قشلاق و تابستان در سیاحادر و نیز هیچ بختیاری در گونه‌ای شبیه به اوی در زمستان نزیسته است و همچنین دامنه شمالی زردکوه که محلات و مراتع طوایف بختیاری است تا اواسط بهار با برف و سرما همانند پائیز استپ سرد تبت یا ترکمن

جدول ۱. جدول تطبیقی دلالت‌های فرهنگی اجتماعی دال (شکل خیمه).

خیمه	وجه	دال (شکل)	مدلول (فرهنگی و اجتماعی) نشان از
سیاحادر	فرایند	قابلیت جابجایی	شیوه معیشت اجتماعی فرهنگی شبنانی
اوی	فرایند	پرتابل‌ترین، سبک‌ترین، سهل‌ترین برپایی و برچیدن، پیش‌سازترین خیمه	تعدد جابه‌جایی و سرعت عمل بالا در تصاحب مراتع
سیاحادر	سازه	واگرایی دبرک‌های چوبی	اجتماع‌پذیری زیاد و پذیرش تجمعات قومی
اوی	سازه	هم‌گرایی ترکه‌های ظریف سازه	هم‌گرایی کاربر حول ستون شمنی و آتشدان زیر روزنه در درک ستاره قطبی و تغییر فصول
سیاحادر	فرم	هندسه ارگانیک و انعطاف‌پذیری طبیعی	سازمان اجتماعی منعطف ایل
اوی	فرم	رنگ سیاه خیمه	نمود جلوه زیاد در میان طبیعت و ایل
اوی	فرم	هندسه منظم اقلیدسی دایره و عرقچین روزنه سقف	نظم زیاد به واسطه سرعت عمل بالا در تصاحب مرتع جدید و نیز در بستر لخت طبیعت معطوف شدن توجه در آسمان
سیاحادر	فضا	گسترده‌گی غشاء و سیالیت فضا	اتصال ستون زندگی شمنی و رویت ستاره قطبی و تغییر فصل
اوی	فضا	شفافیت پیرامونی و چندسونگری خیمه	اجتماع‌پذیری، زندگی جمعی و نیز پوشش تنوع عملکردی ارتباطات اجتماعی زیاد دو طرفه و پیوسته ایل، در معرض دید هم بودن مداوم در اطراق و برچیدن
اوی	فضا	محدودیت فضایی	تقسیمات اجتماعی کوچک و محدود در سرعت عمل بالا
اوی	فضا	مبلمان منقوش و متنوع رنگی	این همانی مرتع در درون خیمه آرزوی ایل در بستر فقیر طبیعت
اوی	فضا	طیف رنگ قرمز	رزم‌آوری و جدل در تصاحب مرتع



شکل ۴. استنتاج مدل ناشی از آزمون فرضیه: علیت طبیعی در چرخه فرهنگ-طبیعت در عرض دلالت فرهنگی اجتماعی شکل خانه را متأثر می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

1. Tekhne
2. Subject
3. Ferdinand de saussure
4. Semiology
5. Structuralism
6. Signifier
7. Signified
8. Signification
9. Charles Morris
10. Charles Pierce
11. Vernacular architecture

۱۲. بخش‌هایی از منسوج غشاء سیاچادر که به هم متصل می‌شود را «لته» یا «لت» می‌گویند.

13. Portability
14. Transparent
15. Flexibility

۱۶. فیلم مستند «علف» به کارگردانی «مریان سی کوپر» محصول ۱۹۲۵م. از اولین فیلم‌های مردم‌نگارانه دنیا است. در این فیلم کوچ ۴۶ روزه یک طایفه ۵۰۰۰ نفری ایل بختیاری که نیم میلیون دام در شرایطی بسیار دشوار در عبور از رودخانه کارون و زردکوه از خوزستان به سمت منطقه بختیاری به تصویر کشیده شده است (رستم پور و همکاران، ۱۳۹۳).

17. Cosmologique

کارکردی در عرض آن دلالت بنیادی، نقش ایفا می‌کنند و از این فراتر علل در «چرخه فرهنگ-طبیعت» خود به فرهنگ بازمی‌گردد. به رغم اعتقاد راپاپورت در «نقش تغییردهندگی»، عوامل دوم (کارکردی و عقلانی) در عوامل اول؛ این پژوهش نشان داد که علل کارکردی و طبیعی خود محصول «چرخه فرهنگ-طبیعت» است و این چرخه خود نیز بازگشت به «دلالت بنیادین فرهنگ» دارد. بنابراین مفهوم «چرخه فرهنگ-طبیعت» از آن ناشی می‌شود که هر چند ماده و پدیده‌های طبیعی در فرایند عقلانی، پوزویستی و طبیعی قرار می‌گیرند لیکن در گذر از درون هر تمدن فرهنگی به پاسخ‌های الزاماً هم‌شکل نخواهند رسید بلکه به شیوه فرهنگی خود به علیت طبیعی پاسخ می‌دهند. که به درستی بیان مفهوم چرخه و تأثیر آن بر شکل خیمه است. تطابق خیمه سیاچادر و اوی در دو بستر فرهنگی ناهمسان و گذر علل طبیعی (اقلیم، مصالح و تکنیک) از درون فرهنگ به پاسخ‌های متفاوتی رسیده که نشان می‌دهد؛ (دال) شکل خیمه، نشان از فرهنگ دارد و شکل خیمه (فرم، فضا، ساختار) دلالت بر فرهنگ بستر دارد. از این رو «مدلول فرهنگ» دلالت بنیادین بر شکل خیمه داشته و «چرخه فرهنگ-طبیعت» علل پوزویستی را با تمام دقایق عقلانی در همسوئی با نقش فرهنگ، اسطوره و باور بیان می‌کند. بنابراین امروز نیز در چالش مشابه‌سازی جهانی فرهنگ و معماری خانه با معطوف داشتن نگاه طراحان و کاربران به فرهنگ، باور و اسطوره‌های ملل در توجه به پاسخ‌های متفاوت هر فرهنگ به علل کارکردی و طبیعی ضرورت می‌یابد. (شکل ۴)

۱۲. کلنه، ابراهیم. (۱۳۷۵). *شناخت ایلات و عشایر ترکمن، تهران: حاجی طلایی*

۱۳. لنگ، جان. (۱۳۸۶). *آفرینش نظریه معماری. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۷).*

۱۴. مورن، ادگار. (۱۳۹۲). *سرمشق گمشده طبیعت بشر. (علی اسدی، مترجم). تهران: چاپ سوم، انتشارات سروش. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).*

۱۵. نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). *دین و نظام طبیعت. (محمد حسن غفوری، مترجم). تهران: چاپ سوم، نشر حکمت. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۴).*

۱۶. نیچه، فریدریش؛ هایدگر، مارتین؛ گادامر، هانس گئورگ. (۱۳۹۳). *گزیده جستارهای هرمنوتیک مدرن. (بابک احمدی، مهرا مہاجر و محمد نبوی، مترجمان). تهران: چاپ دهم، نشر کانون چاپ.*

۱۷. نیلاندر، اولا. (۱۳۹۰). *معماری خانه. (محمد صادق فلاحت، مترجم). زنجان: انتشارات دانشگاه زنجان. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).*

18. Morris, C. (1946). *Signs, Language and Behavior*. Braziller, New york.

19. Moore, F. (1993). *Environmental Control Systems, Heating, Cooling, Lighting*. MacGraw-Hill, Inc, Singapore.

20. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. University college, London.

21. Geo-turkmensahra. (2016). Retrieved February, 2016, from <http://www.geo-turkmensahra.persianblog.ir/1389/10/>

22. Golestanema. (2016). Retrieved February, 2016, from <http://www.golestanema.com>

23. Tishineh. (2016). Retrieved February, 2016, from <http://www.tishineh.com/touritem/4364/>

18. Shamanism

19. Po

20. Positivism

فهرست مراجع

۱. اسلامی، غلامرضا. (۱۳۹۲). *میانی نظری معماری، عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: پژوهشکده هنر و علم معمار.*

۲. اهری، زهرا. (۱۳۸۷). *کاربرد روش‌های چالز مورس در مطالعه نشانه‌های معماری شهری. مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، نشانه‌شناسی فرهنگی. تهران: موسسه، ترجمه و نشر آثار هنری.*

۳. پناهی، سیامک؛ هاشم‌پور، رحیم. (۱۳۹۳). *معماری اندیشه از ایده تا کانسبت. نشریه هویت شهر. (۱۷)، ۲۵-۳۴.*

۴. دباغ، امیرمسعود؛ و مختاباد امراثی، سید مصطفی. (۱۳۹۰). *تأویل معماری پسامدرن از منظر نشانه‌شناسی. هویت شهر. (۹)، ۵۹-۷۲.*

۵. راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن. (خسرو افضلیان، مترجم). تهران: چاپ دوم، کتابکده کسری. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۹).*

۶. رستم‌پور، کاوه؛ غزالی، مسافرزاده؛ و نظیف، حسن. (۱۳۹۳). *تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان. باغ نظر. (۲۹)، ۲۲-۱۱.*

۷. زباح، الهام؛ حاتم، غلامعلی. (۱۳۹۲). *جستاری در مفاهیم نقوش سوزن دوزی ترکمان گنبد کاووس. فصلنامه علمی-پژوهشی نگره. (۲۸)، ۶۹-۷۷.*

۸. شولتز، کریستیان نوربرگ. ۱۳۸۱. *مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، (محمود امیر یار احمدی، مترجم). تهران: آگه. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲)*

۹. فلاحت، محمد صادق؛ نوحی، سمیرا. (۱۳۹۱). *ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری. نشریه هنرهای زیبا، (۱)۱۷، ۲۵-۱۷.*

۱۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی، (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: چاپ بیست و هشتم، نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۶).*

۱۱. لایارد، اوستین هنری. (۱۳۷۶). *سفرنامه لایارد، ماجراهای اولیه در ایران. (مهراب امیری، مترجم). تهران: نشر آنزان*

The Role of Cultural and Social Implication on the Shape of the Marquee

(Case Study: Bakhtiari Seachador and Turkmen Oey)

*Noraldin Pirkhezri**, M.A.in Architecture, Lecturer, Department of Architecture, Masjed-Soleyman Branch, Islamic Azad University, Masjed_Soleman, Iran

Mohammad Sadegh Falahat, Ph.D., Associate Professor of Architecture, Faculty of Engineering, Zanjan University, Zanjan, Iran.

Abstract

Human kind manifested their express and being in the world with the nature of the action and the culture of "home" incorporation, Due to its fundamental shape by the environment, the structure of the "marquee" placed upright. This article argues that by using the concept of semiotics in the realm of "practical aspects" and "syntactic" and "semantic" syndrome with qualitative analysis of field observations and library in the comparative study of two species of marquee with heterogeneous platform, on how the impact of the social and cultural aspect of weight compared to the climate, the functional relationships of causality building materials and technique's, functionality and demonstration in shape (Signifier) marquees. This research seeks to test the hypothesis that: 1. The shape of home before of "natural causes" effected by the "cultural and social implications" and is followed natural causes and the social and cultural implications. 2. The response of house in the same natural reasons causes the House to unequal results in any "cultural" platform. Researches by using the science of social semiotics of cultural implication in the two aboriginal case study have been extracted and then seeks to explain the implications of the relationship with causality is naturally raised. Signs in the shape of a marquee such as purporting factors of cultural, social backgrounds can be mentioned. In this study, practical aspects (activities of function and behavior) and syntactic and semantic aspects syndrome (associated with the field of cultural and social environment) as a research tools are applied. According to the hypothesis of this research, meanwhile a comparative study of the symptoms (Signifier, the shape of the marquee) has been considered, which signify the concepts (signified) social and cultural and other reviews of samples of different cultural contexts and its impact on making a difference in the slab (Shapes) and compared the effect of natural cause is done that leads to the perception of the concepts and the role of social and cultural implication. Considering the results, it turns out that not only the cultural and ideal "implication" on the establishment figure in the marquee, despite the impact of the tangible natural and functional causes have a role "pivot point" but also beyond that natural causes in the context of any culture in the concept of a "cycle of culture-nature's" refers to a cultural nature. Therefore, no effective natural causality on the shape of the House in its nature, is not a mere natural, but also cultural and social meaning in this cycle. The Compliance of marquee Seachador & Oey in two culturally dissimilar fields and through natural causes (climate, materials and techniques,...) from within the culture has come to the different answers that indicate; (Signifier) is the shape of the tabernacle, the tent of the culture and the form (form, space, structure, process), indicating the platform's culture. Hence, the "signified culture" imply fundamentally on the marquee and the "cycle of culture - nature" expresses natural causes at all rational punctilio in harmony with the role of culture and belief.

Keywords: The shape of the House, Signification, Semiology, The Cycle of Culture-Nature, Marquee.

* Corresponding Author: Email: Nor.pir5990@gmail.com